

[https://Telegram.me/Social\\_Science](https://Telegram.me/Social_Science)

روزنامه مردم‌سالاری، دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۶

از فردایی که اتفاق شوم تروریستی در تهران رخ داد، شاهد حضور علمای ایرانی با گرایش تسنن در سیمای جمهوری اسلامی ایران هستیم که فی نفسه سنت حسنه‌ای است و باید به فال نیک گرفت ولی بقول استاد سخن شهریار که می‌گفت: آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا/ بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا؟! به عبارت دیگر از مدیریت استراتژیک سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران باید پرسید که چرا تا به حال نسبت به این قسمت از جامعه ایران بی توجهی کرده است و در رسانه ملی هیچ بازنمایی معناداری نسبت به ایرانیان اهل تسنن انجام نداده است؟ این نقص بزرگی در رسانه ملی ما است که نسبت به تکثر و تنوع، «تأخیر درکی» دارد و انباشت اینگونه تاخیرها در دراز مدت می‌تواند امنیت و انسجام ملی ما را به شدت تضعیف کند. البته نکته مهم دیگری نیز در این دو روز در سیمای ملی نسبت به علمای ایرانی با گرایش تسنن دیده می‌شود که به نظر من برای رفع این نقیصه نمی‌توان انتظاری از مدیریت بروکراتیک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران داشت، بلکه باید از ظرفیت علوم انسانی و مشخصاً انجمن جامعه شناسی ایران مدد گرفت. اجازه دهید اول مشکل را صورت بندی کنم و سپس راهکار خویش را ارائه دهم. مشکل به نظر من این است که در بازنمایی علمای ایرانی اهل تسنن، رسانه آنها را به صورت سوژه بازنمایی نمی‌کرد بلکه آنها را به صورت ابژه به تصویر کشید و این ابژه وارگی در شیوه به تصویر کشاندن این علماء و اساساً جامعه اهل تسنن ایران قابل رویت بود. چگونه؟ پرسش از سوی سوژه (که در اینجا مشخص بود نگاه حاکمیتی مرکز نشین مبتنی بر یک قرائت ویژه از تشیع است) مطرح و ابژه عالم غیرشیعی حاشیه نشین است که بابد این عمل شنیع را تقبیح کند. این که تروریسم محکوم است مورد مناقشه من نیست بل موضوع نقاش من شیوه ترسیم دیگری در رسانه ملی است که به بیننده این حس را القاء می‌کند که ایرانی غیرشیعی «دیگری» است که به دلایلی امروز موقتا در سطح ملی مطرح شده است ولی نه به عنوان سوژه بل به عنوان ابژه که قرار است پرسش «من» را در چارچوب تعیین شده از سوی «من» پاسخ دهد.

این رابطه مبتنی بر مناسبات سوژه و ابژه است که در دایره سلطه قرار می‌گیرد و اگر اصلاح نشود موجبات فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران را رقم خواهد زد. متوجه باشیم که یک نکته مهم در عملیات اخیر بعد داخلی این حرکت بود که نیاز به پردازش جدی دارد. به سخن دیگر، تمامی عاملان حرکت تروریستی، ایرانی

بودند و تمامی آنها از جامعه اهل تسنن ایران و به نظر من این زنگ خطری است از منظر «امنیت پایدار» که چرا چنین اتفاقی در بین بخشی از جامعه ایران روی داده است.

به تعبیر دیگر ما با اهل تسنن در ایران چه کرده ایم یا بازنمایی سوژه ایرانی چگونه رخ داده است که در این بازنمایی جوان کرد ایرانی یا... خود را سوژه نمی بیند بل در قالب ابژه فهم می کند و برای شکستن این رابطه دست به نابودی مام وطن و هموطنان خود می زند و این چنین حاضر به خونریزی میگردد؟ به نظر من، ما نیاز به یک بازنگری جدی در فهم خویش از هویت و مناسبات مرکز و حاشیه و سیاست‌گزاریهای مذهبی و بازنمایی سوژه ایرانی در رسانه ملی در چارچوب سیاست‌گزاریهای متکثر و مدیریت آنها داریم. شاید اگر سیاستمداران و مدیران عرصه امنیت قدری به مشاوره با جامعه شناسان روی آورند مطمئنا عبور از این پیچ خطرناک در وضعیت شکننده منطقه ممکن و سهل تر خواهد شد.

شکاف بین نیروهای موثر اجتماعی/سیاسی در ایران

با یکی از دوستان بسیجی صحبت می کردم و سخنان رسید به فقدان ارتباط بین نیروهای سپاه و دانشگاهی که ایشان به من گفت که ارتباط وجود دارد ولی کافی نیست و علت آن رخنه افکار «فراماسونری» در دانشگاه‌های ایران است. او می گفت استراتژیست‌هایی همچون حسن عباسی و رائفی پور و امثال اینها دارند سخت کار می کنند و با بدنه دانشگاه‌ها هم تا حدودی توانستند ارتباط بگیرند ولی کافی نیست، چون بدنه دانشگاه‌ها اکثرا افکار فراماسونری دارند و همراهی نمی کنند، البته در دانشگاه هم یک تصویری نسبت به نیروهای ولایی وجود دارد که آنها تمامی تلاششان بر از بین بردن استقلال دانشگاه به مثابه نهاد دانایی در ایران است.

حال به عنوان جامعه شناس این تقابل را چگونه باید مفهوم سازی کرد؟ آیا واقعا دانشگاهیان ایران تحت تأثیر ماسونها هستند و آیا نیروهای ولایی دنبال ولایت بر دانشگاه هستند؟ صورت مسئله چیست؟ به نظر من این یکی از بزرگترین شکاف‌های جامعه ایرانی و ساحت سیاسی در ایران هست و خطرش اگر از داعش بیشتر نباشد کمتر نیست، زیرا بهترین نیروهای این جامعه در یک ماتریکس ثنوی ساختگی قرار گرفته اند و امکان هیچ گفتگوی بدون سرکوب و خالی از سلطه در بین این دو گروه وجود ندارد. چرا؟ زیرا گفتگو زمانی شکل می گیرد که من برای دیگری ذات پلید متصور نگردم. بر هیچ اندیشمندی پوشیده نیست که مفهوم فراماسونری یک واژه پلید در ادبیات سیاسی است که برای آن ابعاد ذات انگارانه متصور شده اند و از سوی دیگر، نیروهای ولایی به عنوان یک کل متصور شده‌اند که ذاتی سلطه جو دارند و تابع هیچ منطق دانایی محور نیستند.

به عبارت دیگر، در تلقی سوژه دانشگاهی من ولایی دارای یک ذات است که بدون توجه به شرایط محیطی و جامعه لایتغیر به حیات عقل ستیز خود ادامه می دهد. در پس این دوگانه سازی ولایی-دانشگاهی من نزاع عقل و ایمان را می بینم که در تمامی جوامعی که از عالم سنت به سوی جهان معاصر در حال تحول بوده اند قابل رویت است و جوامعی توانسته اند از این برزخ عبور کنند که این شکاف عقل و ایمان را به تعامل عقل و ایمان مبدل کرده‌اند.

به سخن دیگر آنچه از سوی نیروهای ولایی علیه اصحاب دانشگاه گفته می شود فراماسونری به معنای واقعی کلمه نیست و بالعکس آن یعنی تصور اصحاب دانشگاه علیه نیروهای ولایی که به ذاتا به دنبال سرکوب دانشگاه

و شبکه های دانایی در ایران هستند. این هر دو تصور نشات گرفته از یک فهم ذات انگارانه است که جلوی فهم دینامیک را می گیرد و موجب تشدید شکافهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران می شود. واقع امر این است که ایمان فرمی از تصور از عالم است که تمامیت خواه است و استقلال عقل را برنمی تابد و عقل هم یک فرمی از خیال است که سرکوب و حد- غیر از حدی که تعقل می آفریند- را برنمی تابد و این ناهمبانی متافیزیک در جامعه ایران ابعاد سیاسی و اجتماعی پیدا کرده است و نیروهای اجتماعی بر مرزهای این تصورات جهان ایرانی و جهان معاصر را مفهوم سازی کرده اند. چگونه می توان این شکاف را پر کرد؟ شکاف عقل و ایمان قرنهایست که پر نشده است ولی شکاف بین نیروهای ولایی و دانایی را می توان در ایران پر کرد به شرط آنکه ما بتوانیم سوژه ایرانی را دارای اصالت بدانیم و قائل به گفتگو گردیم، زیرا قائل شدن به گفتگو یعنی پذیرفتن دیگری و فرم های بدون قائل شدن به یک ذات لایتغیر. به نظر من این یکی از راه های پر کردن شکاف های موجود در جامعه ایران بین نیروهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است که حتی در بین نهادهای سیاسی عالی همچون نهاد رهبری و نهاد ریاست جمهوری خود را نشان می دهد. گفتگو، سخن راندن نیست بل قائل به دیگری به مثابه یک امکان است که احتمال بازآفرینی دارد. چگونه؟

<https://Telegram.me/Seyedjavadmiri>

[https://Telegram.me/Social\\_Science](https://Telegram.me/Social_Science)

کانال علوم اجتماعی، مسائل روز

[Telegram.me/Social\\_Science](https://Telegram.me/Social_Science)